



The response of the Islamic Republic of Iran to the aggression of the Zionist regime

Dr. Khosrow Vafae and Fereshteh Abdolrahimi

Submission Date: 15 November 2024 | Acceptance Date: 24 November 2024

Abstract

The recent Middle Eastern conflicts, rooted in a century of historical developments, entered a new phase on October 7, 2023, with the unprecedented and heroic operation by the Palestinian movement “ Hamas.” The Zionist regime’s astonishing vulnerability to this historic operation, coupled with its hasty, confused, and overly ambitious responses, gradually placed it in a severe security dilemma. This marked the collapse of its primary security and military doctrine: deterrence. In an effort to restore its deterrence capability, Israel committed numerous atrocities in search of a way out of its predicament. Given the decisive role of Western governments—especially the United States and the United Kingdom—in the creation and continuation of this illegitimate regime, Israel exerted significant efforts to involve major powers in the conflict. One of these efforts was to provoke direct confrontation between the United States and Iran. However, as these governments have adopted strategies to prevent the expansion of the conflict to other regional and international states, the Zionist regime’s policy has so far failed. Nevertheless, Israel has taken reckless measures to involve Iran in the conflict. These actions include attacks on Iran’s consulate in Damascus, the assassination of seven senior commanders of the Islamic Revolutionary Guard Corps (IRGC), the attempted assassination of Ismail Haniyeh, the leader of Hamas, on Iranian soil, the assassination of Sayyed Hassan Nasrallah, the leader of Hezbollah, and several other Hezbollah commanders, as well as the martyrdom of IRGC General Nilforoushan in Beirut. In response, the Islamic Republic of Iran, adhering to its principle of deterrence and supporting the resistance front, has conducted two military operations titled “The Truthful Promise 1” and “The Truthful Promise 2.” These operations have astonished not only Israel and the United States but also international observers and analysts. These actions, targeting Israeli entities backed by the United States and NATO, were executed to demonstrate Iran’s capabilities and strength on the global stage and to establish the resistance front as an emerging power in the Middle East. This article aims to explore the dimensions of these operations and their connection to the Islamic Republic of Iran’s diplomatic strategies in the current geopolitical landscape.

Keywords: Vadeh sadegh 1, Vadeh sadegh 2, Deterrence, Balance of Power, Resistance Front, Zionist Regime



پاسخ جمهوری اسلامی ایران به تجاوزات رژیم صهیونیستی

دکتر خسرو وفائی، فرشته عبدالرحیمی

تاریخ پذیرش ۱۴۰۳ / ۹ / ۳

تاریخ ارسال ۱۴۰۳ / ۸ / ۲۵

چکیده:

منازعات اخیر خاورمیانه که ریشه در تحولات یک قرن گذشته دارد، از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، با عملیات بی نظیر و قهرمانانه جنبش فلسطینی «حماس» وارد مرحله جدیدی گردید. غافلگیری عجیب رژیم صهیونیستی در مقابل این عملیات تاریخی از یکسو، و پاسخ شتاب زده، سردرگم، و همراه با اعلام اهدافی دست نیافتنی، موجب شد تا بتدریج این رژیم را در تنگنای شدید امنیتی قرار دهد بطوری که مهمترین اصل امنیتی و نظامی این رژیم، یعنی اصل بازدارندگی را دچار فروپاشی نمود. در راستای احیای این اصل، اسرائیل دست به هر جنایتی زد تا راهی برای برون رفت از این محاصره پیدا کند، و از آنجا که دولت‌های غربی، بویژه آمریکا و انگلیس در ایجاد و استمرار حیات این رژیم جعلی نقش تعیین کننده داشته اند، تلاش فراوانی از سوی اسرائیل بعمل آمد تا قدرت‌های بزرگ را درگیر این منازعه نماید. از جمله این تلاش‌ها، رو در رو قرار دادن ایالات متحده آمریکا با ایران بوده است، اما، از آنجا که این دولتها، استراتژی خود را در عدم گسترش جنگ به سایر دولتها منطقه ای و فرامنطقه‌ای تعیین کرده اند، این سیاست رژیم صهیونیستی تاکنون با شکست مواجه شده است. البته در خصوص درگیر کردن ایران در این منازعه، عملیات‌های جنون آمیزی داشته است. حمله به کنسولگری ایران در دمشق و ترور هفت تن از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران، ترور اسماعیل هنیه رهبر حماس در خاک ایران، ترور سید حسن نصرالله رهبر حزب‌الله لبنان و تعدادی دیگر از فرماندهان این گروه و نیز سردار شهید نیلفروشان در بیروت، از جمله این اقدامات بوده است. جمهوری اسلامی نیز بر اساس اصل بازدارندگی و حمایت از جبهه مقاومت، تاکنون دو عملیات نظامی با عنوان وعده صادق ۱ و ۲ داشته است که نه تنها اسرائیل و آمریکا، بلکه ناظران و تحلیلگران بین‌المللی را نیز دچار حیرت ساخته است. در واقع این عملیات‌ها در اسرائیل متکی به آمریکا و ناتو انجام شده است، تا توانمندی و اقتدار ایران را به رخ جهان بکشد و جبهه مقاومت را بعنوان قدرتی نوظهور در خاورمیانه در مناصه دید متجاوزان و قدرتهای جهانی قرار دهد. این مقاله بر آن است تا ابعاد این عملیات‌ها که امروز در پیوند با عرصه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است مورد بحث و بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: وعده صادق ۱، وعده صادق ۲، بازدارندگی، توازن قدرت، جبهه مقاومت، رژیم صهیونیستی

۱. خسرو وفائی، استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول)

۲. فرشته عبدالرحیمی، دانشجوی دکتری، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران

پژوهش، و بحث و بررسی پیرامون تحولات خاورمیانه طی یکسال گذشته، حتی اگر جمهوری اسلامی ایران بطور مستقیم در آن مداخله ای نداشته باشد، دارای اهمیت بسزائی است، اما جمهوری اسلامی ایران بعنوان مرکز تحولات خاورمیانه و پشتیبان جبهه مقاومت در مرکزیت این تحولات قرار دارد، و نتیجه اهمیت پژوهش در این رابطه دو چندان میشود. نکته دیگر در رابطه با اهمیت و ضرورت پژوهش در این رابطه، به نسبت دو طرفه بین ایران و جبهه مقاومت باز میگردد. در واقع جمهوری اسلامی ایران و جبهه مقاومت، به لحاظ مباحث ژئواستراتژیک، عمق استراتژیک یکدیگر به حساب می آیند، و در نتیجه، تحولاتشان کاملاً مرتبط بوده و از همبستگی متقابل برخوردار است. امروز سرنوشت جمهوری اسلامی با جبهه مقاومت به هم گره خورده و از این جهت، مطالعه و پژوهش در حوزه سیاست خارجی ایران، جدای از جبهه مقاومت نیست. نکته دیگری که در این نوع پژوهش ها دارای اهمیت است، نشان دادن پیوند مستحکم بین دو قلمرو دیپلماسی و میدان کارزار است. در واقع معرفی کارکردهای میدان کارزار، از جمله عملیات وعده صادق ۱ و ۲، بعنوان بخشی از سیاست خارجی و روابط بین الملل ایران، ضرورتی انکار ناپذیر است. شهید بزرگوار حسین امیر عبداللہیان، وزیر خارجه دولت شهید ابراهیم رئیسی، قوی ترین وزیر خارجه ایران از این جهت بود و بخوبی توانست پیوند دو قلمرو دیپلماسی و میدان را تثبیت نماید.

هدف این نوشته نیز، نشان دادن ابعاد سرنوشت ساز بخش دیگری از سیاست خارجی، یعنی معرفی قدرت بازدارندگی ایران که لازمه حیات سیاسی است میباشد که جلوه این قدرت، در دو عملیات تاریخی و بی نظیر وعده صادق ۱ و ۲ نمایان شده است.

۱. بیان مسئله: نقطه عزیمت در منازعه ایران و رژیم صهیونیستی :

« نقطه عزیمت » در تحولات بین ج ا ایران و رژیم صهیونیستی، مهمترین متغیر تعیین کننده در بیان «مسئله» پیرامون این موضوع است. در حالی که برخی تحلیلگران روابط بین الملل، همچون دولت های غربی، چنان غیر منصفانه و ناعادلانه، اتفاقات اخیر بین ایران و رژیم صهیونیستی را تجزیه و تحلیل می کنند که گوئی چشم خود را بطور مطلق بر اصل ۵۱ منشور ملل متحد یعنی اصل حقوقی دفاع مشروع بسته اند! و شروع درگیری را به عملیات ۲ گانه ایران تحت عنوان « وعده صادق » نسبت می دهند، برخی دیگر عملیات های نظامی ایران را پاسخ به تجاوزات رژیم صهیونیستی معرفی می کنند.

کنت پولاک در مقاله خود در فارن افرز تحت عنوان: « ایا احتمال جنگ تمام عیار در خاور میانه در شرف وقوع است » ، طوری از اتفاقات اخیر صحبت می کند که گوئی شروع کننده این اتفاقات ایران بوده است! ، وی در همین رابطه می گوید: « ایران دو حمله مستقیم به اسرائیل انجام داده است ، در حالی که اسرائیل یک حمله را در پاسخ انجام داده است و تقریباً دومین حمله را نیز آماده می کند. بیش از نیمی از متحدان و نیروهای نیابتی ایران به اسرائیل حمله کرده اند، اسرائیل نیز تعدادی از رهبران کلیدی متحدان ایران را ترور کرده است ، و هر دو طرف حملاتی سایبری علیه یکدیگر انجام داده اند.»^۱

افشان استوار طی مقاله « جنگ ایران و اسرائیل از سایه بیرون می آید» ، در مجله فارن افرز بر همین سیاق تحلیل خود را سامان داده و اظهار می دارد: « رگبار بیش از ۳۰۰ پهپاد و موشک ایران به رهبری این کشور این امکان را می دهد که انتقام ترور هفت فرمانده ارشد سپاه پاسداران در اول آوریل توسط اسرائیل را بگیرد.»^۲

در مقابل ، و در حالی که این اتفاقات در منظر جهانیان حادث می شود، گروهی دیگر از تحلیلگران ، پاسخ ایران را نوعی واکنش به اقدامات اسرائیل می دانند.

سوزان مالونی نیز که جزو این دست از پژوهشگران روابط بین الملل است ، عملیات ایران را نوعی واکنش به رفتار اسرائیل میدانند و در این رابطه می گوید: « رگبار بیش از ۳۰۰ پهپاد و موشک ایران به رهبری این کشور این امکان را می دهد که انتقام ترور هفت تن از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران در اول آوریل توسط اسرائیل را بگیرد.»^۳

بلکه فراتر از آن، مالونی ، ایالات متحده آمریکا را متغیر اصلی و عامل این بی ثباتی معرفی می کند. وی در این رابطه می گوید: « این آمریکا، انگلیس، و فرانسه بودند که مانع برخورد اکثر پهپاد ها و موشک های ایران به مراکز اسرائیل شدند و به همین دلیل ، آمریکا می تواند مانع گسترش جنگ در خاورمیانه شود.»^۴

ولی نصر نیز جزو همین گروهی است که پاسخ ایران را واکنش به تجاوزات اسرائیل میدانند. وی در مقاله خود تحت عنوان: « همه در مقابل هم » میگوید: « رگبار حملات و ضد حملات ایران و اسرائیل در دو هفته اول آوریل ، چشم انداز استراتژیک خاورمیانه را به شدت تغییر داد. در اول آوریل، حمله هوایی اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق

۱- Pollack, K. M. دسترسی پذیر در <https://www.foreignaffairs.com/israel/full-scale-middle-east-war-already-here-iran>

۲- Ostovar, A. دسترسی پذیر در <https://www.foreignaffairs.com/israel/iran-and-israels-war-comes-out-shadows>

۳- Maloney, S. دسترسی پذیر در <https://www.foreignaffairs.com/israel/how-america-can-prevent-war-between-iran-and-israel>

۴- Ibid

، هفت فرمانده ارشد سپاه پاسداران از جمله دو ژنرال را کشت . دو هفته بعد ، ایران با رگبار پهپاد ها و موشک ها تلافی کرد که تقریبا عمده آنها رهگیری شدند .^(۱)

شاید مهمترین متغیر در تعیین صورت مسئله ، یعنی دفاع مشروع بودن پاسخ ایران را بتوان گرایشات سیاسی این تحلیل گران عنوان کرد و این خود ، « مسئله » ای دیرینه در تاریخ روابط بین الملل است . در روابط بین الملل بجز مواردی نادر ، اساسا حقوق بین الملل و مواضع حقوقی و حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه ، تحت الشعاع سیاست بین الملل قرار می گیرد.

به عبارتی صورت مسائل و چالش های حقوقی ، در روابط بین الملل ، به راحتی تحت تأثیر قدرت و اراده سیاسی قدرت های بزرگ جهانی قرار می گیرد، اما این واقعیت تلخ سبب نمی شود تا حقیقت تحریف شده توسط قدرت های بزرگ و وابستگان به آنها ، از سوی ناظران بی طرف مغفول بماند .

۲. تجاوزات رژیم صهیونیستی:

۲.۱. حمله به کنسولگری ایران:

تجاوزات رژیم صهیونیستی به حریم جمهوری اسلامی ایران با حمله به کنسولگری ایران در دمشق آغاز شد . در عصر روز دوشنبه ۱۳ فروردین ماه ۱۴۰۳ ، اول آوریل ۲۰۲۴ میلادی ، ساختمان ضمیمه کنسولگری ایران در مجاورت سفارت ایران در دمشق، هدف حمله هوایی قرار گرفت و تخریب شد . این حمله توسط نیروی هوایی اسرائیل انجام شد و آنگونه که سفیر ایران در سوریه اظهار کرد ساختمان کنسولگری ایران با شش موشک هواپیمای جنگی اف ۳۵ اسرائیل مورد هدف قرار گرفت. هدف اصلی این حمله، سردار محمد رضا زاهدی از فرماندهان ارشد نیروی قدس سپاه پاسداران بوده است. علاوه بر این فرمانده سپاه ، هفت تن دیگر از مستشاران نظامی ایران در سوریه که یکی از آنها سردار محمد هادی حاجی رحیمی از اعضای سپاه قدس بود ، در تجاوز به محل کنسولگری به شهادت رسیدند. (خبرگزاری دانشجو ، ۱۴۰۱/۱/۱۳)

این حمله ، در واقع گذشتن از خط قرمز امنیتی ایران بود و پاسخ به این تجاوز آشکار که در تضاد با اصول حقوقی ناظر بر روابط بین الملل از جمله اصل حاکمیت ملی بود ، انتظاری عمومی بود زیرا عدم پاسخ به این گستاخی رژیم صهیونیستی می توانست پیامدهای بدتری برای ایران داشته باشد، به همین دلیل نیروهای مسلح ایران با تدبیر

مقام معظم رهبری « پاسخ پشیمان کننده » را در دستور کار قرار دادند و عملیاتی بی نظیر در تاریخ گذشته جمهوری اسلامی به اجرا درآمد که در بخش سوم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲.۲. ترور رهبر سیاسی حماس در خاک ایران:

اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی و یکی از رهبران جنبش فلسطینی حماس در ساعت ۱:۳۷ بامداد ۱۰ مرداد ۱۴۰۳، ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۴، به همراه محافظ شخصی خود در تهران، در حالی که میهمان جمهوری اسلامی ایران بود، توسط اسرائیل ترور شد. هنیه پس از حضور در مراسم تحلیف رئیس جمهور ایران، مسعود پزشکیان و پس از بازگشت به محل اقامت خود در اقامتگاه سپاه پاسداران مورد حمله قرار گرفته و به شهادت رسید. (ایسنا، ۱۴۰۳/۱۰/۵)

سپاه پاسداران طی اطلاعیه ای در این ارتباط اعلام کرد: « این اقدام که با طراحی و اجرای رژیم صهیونیستی و حمایت دولت جنایتکار آمریکا انجام شده است، با شلیک پرتابه کوتاه برد با سر جنگی حدود ۷ کیلو گرمی، همراه با انفجار شدید، از خارج از محدوده استقرار اقامت میهمانان صورت گرفته است. تاکید می شود که خونخواهی شهید اسماعیل هنیه قطعی و رژیم ماجراجو و تروریست صهیونیستی پاسخ این جنایت را که « مجازات سخت » است در زمان و مکان و کیفیت مقتضی، قاطعانه دریافت خواهد کرد. (همان)

واکنش اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد به این گستاخی صهیونیست ها متفاوت بود.

۵۱

سفیر و نماینده دائم چین در سازمان ملل با محکوم کردن این ترور گفت: ترور اسماعیل هنیه تلاش آشکار برای تخریب تلاش های صلح بود.

نماینده روسیه در سازمان ملل اعلام کرد هر کسی که پشت این ترور است و کسانی که این ترور را انجام دادند باید آگاه باشند که چنین اقداماتی، چقدر می تواند برای صلح بین الملل خطرناک باشد. ترور اسماعیل هنیه را محکوم می کنیم زیرا ضربه محکمی به میانجی گری و مذاکرات است.

نماینده آمریکا در سازمان ملل نیز با حمایت از اسرائیل اعلام داشت: اسرائیل حق دارد از خود در برابر حملات حزب الله و دیگران دفاع کند. ما از ترور هنیه آگاه نبودیم و در آن عملیات هم هیچ نقشی نداشته ایم.

نماینده فرانسه در سازمان ملل در واکنشی غیر مسئولانه اعلام کرد ما خواستار خویشتن

داری در سراسر خاورمیانه و دور شدن از هرگونه تنش نظامی هستیم . و در نهایت نماینده انگلیس در سازمان ملل هم بدون محکوم کردن این ترور خواستار خویشتن داری شد . (همان)

این ترور در واقع نادیده گرفتن حداقل های حقوق بین الملل بود . لری جانسون تحلیلگر آمریکایی در این رابطه اظهار داشت : « ترور اسماعیل هنیه رهبر سیاسی حماس، عبور از خط قرمزها است و این ترور با اطلاع و حمایت آمریکا و انگلیس صورت گرفته است (شبکه العالم، ۱۰ / ۵ / ۱۴۰۳) . پاسخ جمهوری اسلامی ایران با وجود اعلام واکنش سخت به این ترور، با تأخیر همراه شد و بعداً معلوم شد علت این تأخیر وعده آتش بس در غزه از سوی آمریکا به ایران بوده است که چیزی جز فریب نبوده است .

رژیم صهیونیستی، هنگامی که با این وعده دروغ آمریکا و پذیرش آن از سوی جمهوری اسلامی ایران مواجه شد، گستاخ تر شده و جبهه دوم علیه لبنان را با عملیات پیچرهای باز کرد .

۲.۳. عملیات علیه حزب الله و لبنان :

« ماریچ عمیق خونریزی ۱۷ و ۱۸ سپتامبر با انفجار هزاران پیجر و رادیو های تاکی واکي در دست عوامل حزب الله در سراسر لبنان آغاز شد. برخی از تحلیلگران عملیات بی سابقه اسرائیل را گسترده ترین حمله زنجیره تأمین فیزیکی در تاریخ می دانند و بدنبال آن، تشدید حملات هوایی مداوم در بیروت و جنوب لبنان به تشدید تنش در ۱۱ ماه گذشته انجامیده است^۱ »

این عملیات رژیم صهیونیستی علیه شهروندان عادی با تخریب مناطق مسکونی در جنوب بیروت، و ترور برخی فرماندهان حزب الله مانند فؤاد شکر و اسماعیل عقیل همراه شد و در نهایت، با هدف قرار دادن سید حسن نصرالله رهبر حزب الله لبنان به اوج خود رسید .

دانیل بایمن در مقاله ای که در فارن پالیسی چاپ شد، تلویحا مدعی شد این حوادث را پیش بینی می کرده است . وی در همین رابطه می گوید : « یک مقام امنیتی سابق اسرائیل، در سال گذشته، زمانی که از مرز شمالی اسرائیل بازدید می کردم به من گفت: « ما نگران ایران هستیم، علیه حزب الله تمرین میکنیم، و با فلسطینی ها می جنگیم ». اکنون آموزش نتیجه داده است. سرویس های اطلاعاتی و ارتش سرشناس اسرائیل مجموعه ای

۱- Yacoubian, M _ دسترسی پذیر در <https://www.foreignaffairs.com/israel/middle-east-fire>

از موفقیت های اطلاعاتی چشمگیر را در برابر دشمن بسیار مهیب تر از حماس، یعنی حزب الله لبنان به دست آورده است که با ترور حسن نصرالله به اوج خود رسیده است. نصرالله بمدت ۳۲ سال رهبری حزب الله را بر عهده داشت و این گروه را به یک نیروی نظامی مهم تبدیل کرد. قبل از حسن نصرالله نیز فؤاد شکر و اسماعیل عقیل، در عملیات پیچیده اطلاعاتی ترور شده‌اند. این ترورها پس از آن صورت گرفت که اطلاعات اسرائیل، در پیچرها و برنامه‌های تلویزیونی حزب الله خرابکاری کرد و هزاران نفر را منفجر کرد، صدها تن از نظامیان حزب الله را زخمی کرد و دهها نفر از جمله زنان و کودکان را کشت.^۱

دالیا داسه کایه در مقاله ای که در فارن افرز چاپ شد در میزان اهمیت این تحولات می‌گوید: « ترور حسن نصرالله رهبر حزب الله توسط اسرائیل، لحظه ای دگرگون کننده برای خاورمیانه بود. در دوران نصرالله، حزب الله نزدیک ترین متحد و نیروی بازدارنده حیاتی ایران، ستون مرکزی « محور مقاومت » تهران تبدیل شد. مرگ او نه تنها برای حزب الله، بلکه برای صف آرایی نیروهای مورد حمایت ایران در سراسر منطقه، ضربه سخت و تکان دهنده ای بود. برای اسرائیل، این کشتار، منطقی و جسورانه بود، اما نردبان تشدید بحران را متصاعد ساخت. این حرکت، با گام بعدی اسرائیل در تهاجم زمینی به لبنان، به سمت جنگ تمام عیار حرکت کرد.^۲

بدین ترتیب اتفاقاتی که طی حدود دو ماه از سوی اسرائیل علیه جبهه مقاومت رخ داد، این حقیقت را بر دولت تازه استقرار یافته مسعود پزشکیان آشکار ساخت که اعتماد به وعده‌های کذب آمریکا می‌تواند چنین سرنوشتی تلخ و خساراتی جبران ناپذیر را به ارمغان آورد.

جمهوری اسلامی، در چنین شرایطی، تنها راه مقابله با این همه گستاخی را پاسخ کوبنده به رژیم صهیونیستی متجاوز دید و عملیاتی بمراتب شدید تر از قبل را به اجرا درآورد.

۳. پاسخ جمهوری اسلامی ایران :

۳.۱. عملیات وعده صادق ۱ :

۱- Byman, D. دسترسی پذیر در <https://foreignpolicy.com/2024/09/28/hezbollah-israel-intelli-gence-pager-attacks-bombings>

۲- Kaye, D. دسترسی پذیر در <https://www.foreignaffairs.com/israel/where-will-israels-multifront-war-end>

در پاسخ به تجاوز رژیم صهیونیستی به کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در دمشق و شهادت هفت تن از فرماندهان و مستشاران سپاه پاسداران ، « ایران در نیمه شب ۱۳ آوریل ، اسرائیل را هدف موشک های خود قرار داد. طی این حمله که از لحظه آغاز آن و شلیک پرتابه ها ، تحت رصد آمریکا و اسرائیل قرار داشت ، حدود ۳۰۰ پهپاد و موشک کروژ و بالستیک به سمت اسرائیل پرتاب شد که تعدادی از آنها در اماکن خاصی از سرزمین های اشغالی فرود آمدند .

ایران از قبل ، زمان و مکان عملیات خود را اعلام کرده بود .

تعدادی از موشک ها ، با عبور از سامانه های دفاعی اسرائیل ، آمریکا ، فرانسه ، انگلیس ، و اردن ، به اهداف نظامی اسرائیل از جمله پایگاه هوایی « نواتیم » اصابت کردند . (ویکی شیعه ، ۲۶ / ۱ / ۱۴۰۳)

یورونیوز این عملیات را « بزرگترین حمله پهپادی جهان ، بزرگترین حمله موشکی تاریخ ایران ، و بی سابقه ترین حمله در نوع خود خوانده است . (همان)

نیویورک تایمز نیز در توصیف این عملیات می گوید: « اسرائیل در حمله ایران ، با تسلیحاتی بسیار پیچیده و پیشرفته روبرو شد . این حمله پیچیده تر از هر چیزی است که تل آویو در شش ماه جنگ علیه غزه و متحدان حماس در منطقه تا کنون با آن مواجه بوده است. این سلاح ها می توانند بسیار دورتر بروند و برخی از آنها می توانند بسیار سریعتر حرکت کنند. » (ایسنا ، ۲۶ / ۱ / ۱۴۰۳)

اسکات ریتر افسر اطلاعاتی سابق آمریکا اینگونه توصیفی از عملیات وعده صادق یک دارد : « حمله ایران به اسرائیل قدرت بازدارندگی ایران را تثبیت کرد ، اسرائیل حالا می داند هر نوع تشدید در تنش ها مساوی با نابودی این رژیم است . اسرائیل فکر می کرد می تواند بدون هیچ تبعاتی به ایران حمله کند ، اکنون دیگر چنین نیست . در حال حاضر مقامات اسرائیل در حال ارزیابی خسارات وارده به پایگاه های خود بوده و این را دریافته اند که ایران عامدانه تصمیم گرفت اقدام فوق العاده مرگباری علیه اسرائیل انجام ندهد . ایران با پیام به اسرائیل و آمریکا نشان داد که می تواند حمله به « نواتیم » و « رامون » را در هر کجای اسرائیل و خاورمیانه اجرا کند و آمریکا و اسرائیل هم در مقابل ، هیچ کاری نمی توانند بکنند . این یعنی بازدارندگی ، این یعنی در آینده هرگاه آمریکا و اسرائیل بخواهند اقدامی علیه ایران انجام دهند ، باید ابتدا تبعاتش را در نظر بگیرند ، زیرا می دانند ایران توان حمله به هر هدفی در هر نقطه ای از منطقه را دارد . هیچکس هم نمی تواند آنها را متوقف کند . در واقع عملیات وعده صادق نه تنها برای ایران ، بلکه برای تمام جهان بسیار مهم و موفقیت آمیز بوده است زیرا بازدارندگی ایران اکنون واقعیتی است که می تواند آمریکا و اسرائیل را کنترل کند . » (ایسنا ، ۲۶ / ۱ / ۱۴۰۳)

۳.۲. عملیات وعده صادق ۲ :

پاسخ دوم به تجاوزات اسرائیل در به شهادت رساندن شهید اسماعیل هنیه، شهید سید حسن نصرالله، و دیگر فرماندهان حزب الله و حمله به جنوب لبنان به امری اجتناب ناپذیر تبدیل شد، خصوصا که آمریکا در وعده کاذب خود مبنی بر ایجاد آتش بس در غزه، بار دیگر چهره فریب کار خود را حتی به تیم دیپلماسی گرای جدید در دولت پزشکیان هم نشان داد تا به ادراکی واقع بینانه از سیاست در صحنه عمل دست یابند.

پاسخ ایران به اسرائیل به دلایل مختلف بایستی انجام می شد از جمله دستور رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرماندهی کل قوا مبنی بر خونخواهی میهمان عزیز جمهوری اسلامی ایران یعنی شهید اسماعیل هنیه که در اولین روز کاری رئیس جمهور جدید، مسعود پزشکیان، اتفاق افتاده بود. دلیل دوم این بود که علاوه بر تعرض به میهمان، تعرض به خانه و جان میزبان نیز شده بود. در واقع عدم پاسخ به رژیم شرور صهیونیستی موجب جری تر شدن و تکرار وقایع گذشته میشد. دلیل دیگر اینکه تأمین امنیت مهمانان خارجی، از این پس زیر سوال می رود و لازمه تصحیح این دیدگاه، پاسخ مناسب به این حمله ددمنشانه است. دلیل بعدی این است که بایستی ابزار ترور از دست این رژیم تروریستی گرفته شود و بداند حرکت های مشابه پر هزینه است، و بالاخره مهمترین دلیل برای پاسخگویی این است که موازنه قدرت و سطح بازدارندگی ایران تضعیف شده و بایستی با احیا و ارتقا سطح بازدارندگی، ایران نشان دهد که دست برتر را دارد.

مجموعه این دلایل باعث شد تا ایران پاسخی به مراتب شدید از قبل را در عملیات وعده صادق ۲ به رژیم صهیونیستی بدهد.

افسر اطلاعاتی سابق آمریکا، اسکات ریتر در مورد عملیات وعده صادق ۲ می گوید: « فیلم های منتشر شده از حمله اخیر ایران نشان می دهد که موشک های هایپرسونیک به تعداد قابل توجهی به اهداف خود در اسرائیل اصابت کرده اند. استفاده از موشک های پیشرفته باعث آشفته شدن سامانه های دفاعی این کشور شده است و دفاع هوایی اسرائیل، با وجود حمایت های آمریکا، نتوانستند به طور مؤثر در برابر این حملات عمل کنند. این واقعیت دفاع هوایی اسرائیل است که عمل نمی کند و برخی برآوردها نشان می دهد ایران می تواند بطور همزمان ۱۵۰۰ موشک پرتاب کند که همه دارائی اسرائیل و آمریکا را در هم بکوبد. اگر ایران در این مسیر موفق شود، این به معنای نابودی فیزیکی اسرائیل خواهد بود. » (ایسنا، ۱۱/۷/۱۴۰۳)

ریتر همچنین در مورد احتمال درگیری مستقیم بین ایران و آمریکا می گوید: « جنگی بین ایران و آمریکا وجود نخواهد داشت، آمریکا به صراحت اعلام در منطقه است تا از اسرائیل دفاع کند. اما آمریکا عملیات تهاجمی علیه ایران انجام نخواهد داد، زیرا می

داند عواقب حمله به ایران چه خواهد بود. ما در عراق، سوریه، قطر، کویت، و بحرین نیروهای آمریکایی داریم که در برابر حمله احتمالی ایران بسیار آسیب پذیر هستند و ما هیچ دفاعی در مقابل حمله ایران نداریم. ایرانی ها هم به آمریکائی ها گفته اند که دفاع شما از اسرائیل برای ما اهمیتی ندارد، اما اگر به ما حمله کنید، بشدت به شما حمله میکنیم.» (همان)

ولی نصر در توصیف پاسخ دوم ایران به اسرائیل می گوید: «در اول اکتبر، برای دومین بار در در سال جاری، ایران مواضع اسرائیل را هدف ۲۰۰ موشک قرار داد. این بار، تهران در بمباران مواضع اسرائیل از موشک های پیشرفته تر استفاده کرد و این حمله بر خلاف گذشته، بدون هشدار انجام شد. موشک های پرتابی نشان می دهد اراده و توانایی ایران برای حمله به اسرائیل و نفوذ به سیستم های دفاعی این بازیگر، با روش هایی بالقوه مخرب بوده است. بنابراین آنچه رخ داده است نقطه عطف بزرگی در جنگ یکساله غزه و همچنین آینده امنیت و ثبات خاورمیانه بوده است. با این حال، پاسخ ایران می تواند آغاز کننده بازی خطرناکی باشد زیرا پاسخ تهران احتمالا با پاسخ اسرائیل روبرو خواهد شد و از آن پس، ماریجی پر هزینه به واسطه رویارویی احتمالی ایران با اسرائیل آمریکا ایجاد می شود.»^۱

به ادعای نصر، از نظر مقام های ایران، جنگ اسرائیل و حماس در غزه، نوعی فرصت استراتژیک برای خاورمیانه بود، به این معنا که بار دیگر مسئله فلسطین به کانون اصلی توجهات بازگشت و واکنش های منطقه ای و جهانی به این جنگ، چالشی دیپلماتیک برای اسرائیل ایجاد کرد، بطوری که از زمان حمله حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، تهران و متحدانش (محور مقاومت) از هر گونه جنگ منطقه ای در ابعاد وسیع اجتناب کرده اند، زیرا چنین جنگی می تواند زمینه ساز رویارویی مستقیم بین ایران و ایالات متحده شود. در مقابل، اسرائیل میخواهد با گسترش جنگ غزه و قرار دادن ایران و ایالات متحده در مسیر رویارویی، از تنگنایی که در آن قرار دارد رها شود. ایالات متحده حضور خود در خاورمیانه را برای حمایت از اسرائیل در برابر حملات ایران و حزب الله افزایش داده است و اگر رویارویی اسرائیل، حزب الله و ایران، به رویارویی علنی تبدیل شود، واشنگتن به حمایت اسرائیل وارد میدان خواهد شد. ایران به این نتیجه رسیده است که ترور اسماعیل هنیه در قلب تهران و سپس ترور نصرالله در بیروت، با هدف قرار دادن ایران در تله بوده است. بنابراین ایران بدنبال راهی بود که با توسل بدان، استراتژی خود را بدون بازی در زمین اسرائیل اجرا کند. از همین رو، تهران تصمیم گرفت در آن بازه

۱- Nasr, V _ -1. دسترسی پذیر در <https://foreignpolicy.com/2024/10/03/iran-israel-hezbollah-biden-netanyahu-war>

زمانی واکنشی نشان ندهد، اما با ترور سید حسن نصرالله شرایط تغییر کرد. زیرا حزب الله مهمترین متحد منطقه ای ایران است و تهران باید از این گروه حراست کند، علاوه بر این، سید حسن نصرالله از نفوذ گسترده ای در جهان عرب برخوردار بود. او مغز متفکر و محور اصلی محور مقاومت قلمداد میشد و عدم پاسخگویی ایران قابل قبول نبود. حمله برق آسای اسرائیل به مواضع حزب الله، که با انفجار صدها پیجر در ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۴ آغاز شد و با ترور سید حسن نصرالله به اوج خود رسید نشان داد که اسرائیل تصور می کند در این رویارویی دست برتر را دارد. ایران نمی خواست اجازه دهد این تصور بدون چالش باقی بماند. از طرفی دیگر، ترور دبیر کل حزب الله، واکنش بخش هایی از جهان عرب که با ایران همسو هستند و محافظه کاران در داخل ایران را بدنبال داشت. به همین دلیل، حمله موشکی ایران اگرچه یک مانور خطرناک بود، اما واکنش احساسی تند نبود، بلکه نشان داد که در ایران برای این پاسخ، محاسباتی پیچیده انجام شده است. ایران میخواست نشان دهد که هم جسارت و هم توانایی ضربه زدن به اسرائیل را دارد. علاوه بر این، ایران قصد داشت بدین گونه نشان دهد تنها کشوری در خاورمیانه است که رویارویی اسرائیل قرار می گیرد. چنین موضع گیری، در خیابان های عربی مورد استقبال قرار می گیرد، اما ممکن است سطحی از پاسخ اسرائیل را بدنبال داشته باشد و در نهایت، به همان رویارویی ختم شود که ایران تاکنون از آن اجتناب می کرده است.^۱

نصر در مورد آینده این پاسخ ایران نیز بر این باور است که از نظر ایران، اسرائیل می خواهد همه امنیت خود در منطقه را، یکبار و برای همیشه از طریق جنگ بزرگ تر و طولانی تر، که حماس، حزب الله، حوثی ها و دیگر گروه های متحد ایران، را از طریق رویارویی با آنها فراهم می شود، طی کند، و چنین جنگی نیز، مستلزم دخالت ایالات متحده است. اگرچه ایالات متحده مشتاق است تا از درگیری نظامی پر هزینه دیگری در خاورمیانه جلوگیری کند اما تا کنون ثابت کرده است که قادر به عقب نشینی در برابر اسرائیل نیست.^۲

نصر در تحلیل چرایی عملیات وعده صادق ۲ نیز می گوید: محتمل ترین دلیل حمله اخیر ایران، انتقام جویی است. ایران میگوید که در واکنش به ترور اسماعیل هنیه، رهبر حماس توسط اسرائیل در تهران، و ترور سید حسن نصرالله و عباس نیلفروشان، فرمانده ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیروت مواضع اسرائیل را بمباران کرده است، اما فراتر از انتقام سخت، تهران می خواست همزمان با عملیات نظامی و اطلاعاتی اسرائیل در لبنان که در جریان آن مواضع حزب الله مورد هدف قرار گرفت، « بازدارندگی خود را نیز احیا و افزایش دهد».^۳

lbid _ -۱

lbid _ -۲

lbid _ -۳

در مورد گستره جنگ کنونی دیدگاه های گوناگون و متنوعی وجود دارد . شایسته ، تحلیلگر صهیونیست معتقد است گستره جنگ موجود، نه تنها اکنون، بلکه از همان ابتدای ۷ اکتبر تا به امروز ، گستره ای جهانی بوده است، و این ساده اندیشانه است که ما آن را به جنگ اسرائیل و حماس تقلیل دهیم . وی می گوید: « این جنگ ، بین حماس _ اسرائیل، همیشه بزرگتر از اسرائیل و حماس بوده است، و تهدید اصلی در این جنگ ، ایران است که توسط روسیه و چین حمایت می شود.^۱ البته این نوع تحلیل ها و توسعه گستره آن به روسیه و چین ، در دنیای واقعی با تردید جدی روبرو میشود ، و در واقع ، این گونه گستره شناسی موهوم ، بیشتر در راستای تلاش و تقلای اسرائیل برای مشارکت دادن بیشتر ایالات متحده آمریکا به حمایت از اسرائیل در این جنگ ، ارزیابی می شود .

برخی تحلیلگران دیگر نیز ، پس از کنش و واکنش های نظامی بین اسرائیل و ایران ، معتقدند برنده این منازعه، ایران و سپاه پاسداران است . از نظر آنها ، « با نزدیک شدن جنگ ایران و اسرائیل به یک جنگ تمام عیار، حمله بزرگ موشکی بالستیک جمهوری اسلامی به تل آویو در اول اکتبر ، ممکن است به عنوان یک نقطه عطف تعیین کننده، تلقی شود. پس از ضربات پی در پی از جمله ترور سید حسن نصرالله، رهبر حزب الله لبنان توسط اسرائیل، برای آیت الله علی خامنه ای، رهبر ایران ، چاره ای جز پاسخ دادن باقی نگذاشت و اکنون منطقه، چشم انداز درگیری بزرگتری است . اگرچه حمله ایران به اسرائیل اجتناب ناپذیر بود ، اما نوع عملیات، بسیاری از ناظران بین المللی را از این غافلگیری بزرگ دچار حیرت کرد.^۲

برخی از تحلیلگران غربی این عملیات را ، فراتر از اسرائیل، شکستی بزرگ برای ایالات متحده آمریکا به حساب آوردند. با پاسخ ایران به اسرائیل در عملیات کم نظیر وعده صادق ۲ که طی آن ۲۰۰ موشک بالستیک روانه سرزمین های اشغالی شد و مراکز نظامی را در هم کوبید ، برخی تحلیلگران سیاست های آمریکا در خاورمیانه را شکست خورده تلقی کردند و خواستار تجدیدنظر در این سیاست ها شدند . اندرو میلر در مقاله خود با عنوان « آمریکا برای جلوگیری از فاجعه بزرگتر در خاورمیانه به یک استراتژی جدید نیاز دارد » ، که در مجله معتبر فارن افرز چاپ شد می گوید : « نزدیک به یکسال پس از حمله حماس در ۷ اکتبر، تشدید مداوم درگیری های اسرائیل با حزب الله، خاورمیانه را در لبه پرتگاه یک جنگ منطقه ای قرار داده است. جنگی که براحتی می تواند ایالات متحده را درگیر کند . اگرچه رهبران اسرائیل بر این باورند که تشدید اقدامات نظامی باعث عقب نشینی گروه های شبه نظامی می شود، اما این نوع استراتژی « تشدید برای

۱- Shavit, A _ در <https://www.foreignaffairs.com/middle-east/october-seven-anniversary-israel-hamas-attacks-ari-shavit>

۲- Golkar, S., & Aarabi, K _ در <https://www.foreignaffairs.com/israel/brewing-war-israel-boosting-irans-young-hard-liners>

کاهش تنش « ، به ندرت به نتایج مطلوب می‌رسد. حزب‌الله پیوسته توقف حملات خود به اسرائیل را ، به آتش بس در نوار غزه گره زده است و بعید به نظر می‌رسد که پس از آن، این سیاست را تغییر دهد . بنابراین، این ایالات متحده آمریکا است که برای وارد نشدن در جنگ خاورمیانه بایستی سیاست شکست خورده خود را مورد تجدیدنظر قرار داده و تغییر دهد.^۱

برخی کارشناسان روابط بین الملل نیز فراتر از جنگ اسرائیل و حماس و حزب‌الله، مهمترین مسئله آمریکا را شکست استراتژی کلانی می‌دانند که حدود ۸۰ سال کارآمدی داشته است . کارتر مالکاسیان استراتژی " بازدارندگی مطلق " آمریکا که در اواخر جنگ جهانی دوم آغاز شده و در دوران جنگ سرد و پس از آن تاکنون استمرار داشته است زیر سوال برده و کارآمدی آن را مورد تردید قرار می‌دهد. از نظر ایشان ، " ایالات متحده و متحدانش، با بحران بازدارندگی روبرو هستند. چین کشتی های فیلیپین را در دریای چین جنوبی تهدید میکند و احتمالاً ارتش خود را برای حمله به تایوان آماده می‌کند. روسیه هیچ نشانه ای از دست کشیدن از جنگ خود در اوکراین نشان نمی‌دهد. در خاورمیانه، ایران تهدید به انتقام از اسرائیل برای ترور اسماعیل هنیه رهبر حماس در تهران می‌کند، حزب‌الله حملات موشکی خود به اسرائیل را افزایش می‌دهد و حوثی‌ها به حمله و گاهی غرق کردن کشتی های تجاری در دریای سرخ ادامه می‌دهند ، و همچنین حملات ترکیبی طرفداران ایران در منطقه ، موجب مرگ پرسنل نظامی ایالات متحده می‌شود. مجموعه این اتفاقات نشان می‌دهد که قدرت بازدارندگی ایالات متحده آمریکا دچار ناکارآمدی شده است "^۲

مالکاسیان در مورد کارآمدی یا ناکارآمدی استراتژی بازدارندگی ایالات متحده آمریکا، تحولات تاریخی قرن بیستم را مورد بررسی و ارزیابی مقایسه ای قرار داده و اظهار می‌دارد: " قبل از سال ۱۹۴۵ ، بازدارندگی، موضوع اصلی در مطالعات جنگ نبود . در نوشته های متفکرانی مانند نیکولا ماکیاولی و کارل فون کلاوزویتس به سختی می‌توان رد پای آن را یافت . اما در اواخر دهه ۱۹۴۰ ، با طلوع عصر هسته‌ای، استراتژیست هایی مانند شلینگ ، برنارد برودی ، و آلبرت جیمز وولستر ، شروع به تدوین مبانی تئوری بازدارندگی کردند .

اساس بازدارندگی هسته‌ای، توان ضربه دوم است، به این معنا که هر یک از طرفین می‌توانند در پاسخ به حمله دشمن خود ، حمله دوم ویرانگر انجام دهند ، نوعی پاسخ پویا که به عنوان " تخریب با تضمین بالا " شناخته می‌شود .

۱- Miller, A. P _ در <https://www.foreignaffairs.com/israel/america-needs-new-strategy-avert-even-greater-catastrophe-middle-east>

۲- Malkasian, C _ در <https://www.foreignaffairs.com/united-states/americas-crisis-deterrence>

چین، فرانسه، روسیه، بریتانیا، و ایالات متحده آمریکا، این قابلیت را دارند و این، موضوعی است که شلینگ در کتاب خود با نام "سلاح و نفوذ"، در سال ۱۹۶۶ به آن پرداخت. اما شلینگ و معاصران او، تئوری بازدارندگی را برای توضیح نحوه برخورد با کشورهای غیر هسته‌ای توسعه ندادند، و زمانی که مقامات سعی کردند آن را از این طریق اعمال کنند نتایج ضعیف بود. در سال ۱۹۶۴ و اوائل ۱۹۶۵، دولت جانسون تلاش کرد تا تفکر شلینگ را در ویتنام شمالی اعمال کند و با انجام یکسری حملات هوایی تدریجی نشان دهد که اگر هانوی عقب‌نشینی نکند، خسارات بیشتری وارد خواهد شد، اما همه چیز آنطور که واشنگتن انتظار داشت، پیش نرفت.^۱

نتیجه گیری:

کنش و واکنش اولیه بین حماس و اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ و پس از آن، اکنون وارد مرحله ای دیگر، و گستره ای بزرگتر و خطرناک تر شده است. این رویارویی، اگرچه هنوز به مرحله جنگ تمام عیار نرسیده است، اما اکنون بطور نسبی توانسته جبهه مقاومت را در مقابل ناتو قرار دهد. ناتو اگرچه رسماً اعلام جنگ علیه جبهه مقاومت نکرده است، اما در عمل، با پشتیبانی های بی سابقه اطلاعاتی، امنیتی، دفاعی، و اخیراً تهاجمی از اسرائیل، رودرروی این جبهه قرار گرفته است.

بطور مسلم و قطعی، اگر جبهه مقاومت و در مرکزیت این جبهه، جمهوری اسلامی ایران، نتوانند قدرت بازدارندگی خود را حفظ و ارتقا دهند، بازنده این منازعه خواهند بود، و باید منتظر تحمل خسارات بیشتر در آینده باشند. روند حوادث و منازعات در یکسال گذشته نشان می دهد که جبهه مقاومت با وحدت فرماندهی حاکم بر اطاق فرماندهی این جبهه، بیشتر از حوزه دیپلماسی و حقوق و مذاکرات در سطح منطقه و نظام بین الملل، به توانمندی بومی و خودساخته خود در میدان اهمیت می دهد و با ادراک درست از شرایط خاص خاورمیانه و جهان، بدنبال تثبیت موازنه قدرت بسود خود است، و عملیات های وعده صادق ۱ و ۲، در این رابطه قابل ارزیابی هستند. نفس عملیات در اسرائیل، در ۲ دولت سیزدهم شهید ابراهیم رئیسی، دولت چهاردهم مسعود پزشکیان، آنهم در فقدان ظاهری بزرگان جبهه مقاومت همچون مجاهد کبیر سید حسن نصرالله، رهبر بزرگ حماس اسماعیل هنیه، و مغز متفکر نظامی، و مرد اول میدان غزه یحیی سنوار، نشان دهنده پایداری استراتژی کلان جبهه مقاومت است و دشمنان این جبهه، حتی با پشتوانه های بزرگی همچون ناتو، چاره ای جز به رسمیت شناختن قدرت جبهه مقاومت ندارند حتی اگر در جنگ تبلیغاتی و روانی و رسانه ای، و در مجامع بین المللی، تن به این حقیقت ندهند. شهید بزرگوار سید حسن نصرالله در آخرین سخنرانی خود فرمود آنچه روابط بین ما و دشمنان را تعیین می کند، روز و شب های آینده در میدان است. روندهای عملیاتی در این میدان نشان می دهد که قائد بزرگ حسن نصرالله نسبت به حقایق میدان، مردی روشن اندیش بوده است.

1. Byman, D. (2024). Pinpoint Israeli Intelligence Enabled Strike on Nasrallah in Lebanon. *Foreign Policy*. <https://foreignpolicy.com/2024/09/28/hezbollah-israel-intelligence-pager-attacks-bombings/>
https://foreignpolicy.com/2024/09/28/hezbollah-israel-intelligence-pager-attacks-bombings/#cookie_message_anchor
2. Golkar, S., & Aarabi, K. (2024, 2024/10/11/). The Brewing War With Israel Is Boosting Iran's Young Hard-Liners. *Foreign Affairs*. <https://www.foreignaffairs.com/israel/brewing-war-israel-boosting-irans-young-hard-liners>
3. Kaye, D. D. (2024, 2024/10/02/). Where Will Israel's Multifront War End? *Foreign Affairs*. <https://www.foreignaffairs.com/israel/where-will-israels-multifront-war-end>
4. Malkasian, C. (2024, 2024/09/20/). America's Crisis of Deterrence. *Foreign Affairs*. <https://www.foreignaffairs.com/united-states/americas-crisis-deterrence>
5. Maloney, S. (2024, 2024/04/18/). How America Can Prevent War Between Iran and Israel. *Foreign Affairs*. <https://www.foreignaffairs.com/israel/how-america-can-prevent-war-between-iran-and-israel>
6. Miller, A. P. (2024, 2024/09/29/). America Needs a New Strategy to Avert Even Greater Catastrophe in the Middle East. *Foreign Affairs*. <https://www.foreignaffairs.com/israel/america-needs-new-strategy-avert-even-greater-catastrophe-middle-east>
7. Nasr, V. (2024a). What Is Iran Trying to Prove? *Foreign*

Policy. <https://foreignpolicy.com/2024/10/03/iran-israel-hezbollah-biden-netanyahu-war/>

8. Nasr, V. (2024b, 2024/05/14/). Why Iran and Israel Stepped Back From the Brink. *Foreign Affairs* .<https://www.foreignaffairs.com/israel/why-iran-and-israel-stepped-back-brink>

9. Ostovar, A. (2024, 2024/04/19/). Iran and Israel's War Comes Out of the Shadows. *Foreign Affairs*. <https://www.foreignaffairs.com/israel/iran-and-israels-war-comes-out-shadows>

10. Pollack, K. M. (2024, 2024/10/16/). Is a Full-Scale Middle East War Already Here? *Foreign Affairs*. <https://www.foreignaffairs.com/israel/full-scale-middle-east-war-already-here-iran>

11. Shavit, A. (2024, 2024/10/05/). What Israel Has Lost. *Foreign Affairs*. <https://www.foreignaffairs.com/middle-east/october-seven-anniversary-israel-hamas-attacks-ari-shavit>

12. Yacoubian, M. (2024, 2024/10/03/). The Middle East on Fire. *Foreign Affairs*. <https://www.foreignaffairs.com/israel/middle-east-fire>